

تجزیه‌پذیری تعهدات در حقوق ایران و فقه امامیه

| غلامعلی سیفی زیناب* | استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ایران

| حامد شریفی | کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

| رسول بهرامپوری | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران

چکیده

قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات اگرچه به صورت صریح در قانون مدنی مورد اشاره قرار نگرفته است، لکن موارد متعدد اعمال این قاعده در قانون مدنی بیانگر اعتقاد نویسندگان آن به مبنایی واحد در این خصوص است. تعبیر اراده طرفین، استقراء در مواد قانون مدنی و وجود برخی احکام مربوط به اختیارات، قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات در قانون مدنی را اثبات نموده و بر اساس آن، هرگاه بطلان، عدم نفوذ یا انفساخ بر جزئی از تعهد عارض شود، به موجب قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات، این بطلان، عدم نفوذ یا انفساخ صرفاً در همان جزء اثر کرده و مابقی تعهد کماکان معتبر می‌ماند. تجزیه‌پذیری تعهد به اعتبار موضوع تعهد، تعدد اطراف تعهد و منشأ تعهد صورت می‌پذیرد و در برخی موارد همانند موردی که موضوع تعهد ماهیتاً قابلیت تجزیه ندارد یا طرفین به صورت صریح غیرقابل تجزیه بودن تعهد را اراده کرده‌اند یا میان متعهدین مسئولیت تضامنی وجود دارد، تجزیه‌پذیری تعهدات امکان‌پذیر نبوده و این موارد به عنوان استثنا بر قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات مطرح می‌شوند. در این نوشتار از طریق بیان دیدگاه فقهای امامیه و استقراء در قانون مدنی ایران و تطبیق آن با حقوق مدنی نوین فرانسه

(مطابق اصلاحات سال ۲۰۱۶) جایگاه قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات، حدود و ثغور و همچنین استثنائات این قاعده بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی: تعهد، تجزیه‌پذیری، قاعده انحلال، مسئولیت تضامنی

مقدمه

در برخی موارد به سبب اوضاع و احوالی که بر قرارداد عارض می‌شود، بر قسمتی از یک تعهد حکمی تعلق می‌گیرد که بر سایر قسمت‌های آن تعهد چنین حکمی مترتب نیست؛ به عنوان مثال قسمتی از یک تعهد به سببی باطل می‌گردد در حالی که قسمت دیگر آن تعهد صحیح است. صحت و بطلان در تعهد واحد قابل جمع نیست و نمی‌توان تعهد واحد را هم صحیح دانست و هم باطل. در چنین مواردی، این سؤال مطرح است که آیا تمام این تعهد قابلیت اجرای خود را از دست می‌دهد یا صرفاً آن قسمتی که با مانع قانونی روبه‌رو است غیرقابل اجرا می‌باشد؟

نویسندگان حقوقی علی‌رغم آنکه به صورت پراکنده به این موضوع توجه داشته‌اند، لکن هیچ‌کدام به صورت دقیق و مدون مبنای قانونی و شرایط لازم برای تجزیه‌پذیری تعهدات را بیان نکرده‌اند. موضوع تجزیه‌پذیری تعهدات کمتر مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و بیشتر به عنوان قاعده حقوقی مسلمی در نظر گرفته شده و به آثار و نتایج آن استناد شده است و به همین سبب سؤالاتی در خصوص این موضوع بی‌پاسخ مانده است؛ از جمله اینکه اصالت تجزیه‌پذیری تعهدات در کدام یک از نصوص قانونی اشاره شده است یا بر چه مبنا و اساسی می‌توان چنین تجزیه و انحلالی را قائل شد؟ این تجزیه و انحلال در چه مواردی رخ می‌دهد و آیا می‌توان مانعی برای اعمال قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات متصور بود؟

بدین ترتیب لزوم پاسخ به این پرسش‌ها و همچنین حجم گسترده استفاده از این قاعده در عمل، تحقیقی همه‌جانبه در بررسی «قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات» را لازم می‌سازد. این مقاله در پی دست یافتن به تعریفی روشن و همه‌جانبه از تجزیه‌پذیری تعهدات و همچنین ارائه تقسیم‌بندی جامع و مانعی از انواع تجزیه‌پذیری تعهدات در نظام حقوقی ایران است و با روش استقرایی، ادله و شواهد اصالت داشتن تجزیه‌پذیری تعهدات را در قوانین بررسی کرده و با دیدگاه فقهای امامیه و حقوق مدنی نوین فرانسه (مطابق اصلاحات سال ۲۰۱۶) مطابقت می‌دهد.

در این نوشتار در ابتدا به بررسی مفاهیم موجود در این تحقیق پرداخته شده، سپس اقسام تجزیه‌پذیری تعهدات در قانون مدنی در یک تقسیم‌بندی جامع و مانع بیان می‌گردد و در ادامه ادله اصالت تجزیه‌پذیری تعهدات در حقوق ایران مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد و سپس موانع اعمال قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات بیان می‌گردد.

۱. مفاهیم

در این مبحث تجزیه تعهد، قاعده انحلال و قاعده میسور به عنوان مفاهیم بنیادین این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. تجزیه تعهد

تجزیه در لغت به معنای پاره‌پاره کردن چیزی، تکه‌های یک جسم مرکب را از هم جدا کردن و انحلال مرکبی به عناصر تشکیل‌دهنده آن آمده است (دهخدا، ۱۳۸۹: ۲۵۱). انحلال و تجزیه در اصطلاح فقه و حقوق به این معناست که در صورت عارض شدن اوضاع و احوالی خاص بر قسمتی از تعهد، قانون‌گذار بنا بر مصلحتی احکام گوناگونی با توجه به اوضاع و احوال مذکور برای هر قسمت از تعهد در نظر گیرد.

مقصود از تجزیه آن نیست که یک عقد یا تعهد، چند عقد یا تعهد باشد، در حقیقت تجزیه و انحلال، تجزیه واقعی نبوده و صرفاً یک تجزیه حکمی است. صاحب‌انوائین در توضیح تجزیه بیان می‌دارد: «مراد از تجزیه، تجزیه حکمی است و عقد واحد با توجه به احکام بعدی، در حکم عقود متعدد تلقی می‌شود» (مراغی، ۱۴۱۷: ۷۱)/

۱-۲. قاعده انحلال

مفاد قاعده انحلال در فقه عبارت است از اینکه «عقد واحد، به عقود متعدد تجزیه می‌شود»^۱ (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳/۱۵۹). این قاعده از قواعد اصطیادی و استقرایی است که از روایات و نظریات فقهی در ابواب مختلف فقه استخراج شده است (سبزواری، ۱۴۳۵: ۱/۳۲). در مورد مفاد این قاعده می‌توان گفت که اگرچه واژه «عقد» در این قاعده به کار رفته است، لکن مفهوم آن اعم از عقد بوده و سایر موارد از جمله تعهد و ایقاع را نیز در بر می‌گیرد (رزمی، ۱۳۹۰: ۵۸). چنان‌که در کتب فقهی در باب طلاق این فرع مطرح شده است که اگر مردی دو همسرش را به یک صیغه طلاق دهد و مشخص شود یکی از همسران او در شرایط طلاق (مثل طهر غیر مواقعه) نبوده است، این ایقاع به دو ایقاع تجزیه شده و طلاق یکی صحیح و طلاق دیگری باطل است.

بنای عقلاً نیز مطابق این قاعده است و هرگاه اشخاص به چند چیز متعهد و ملتزم شوند؛ لکن یکی از آن چند مورد، قابل اجرا نبوده یا اساساً چنین تعهدی به وجود نیامده باشد، مجموعه مرکب از این تعهدات را باطل نمی‌دانند، بلکه قسمت‌هایی که صحیحاً تعهد شده است را لازم‌الاجرا می‌شمارند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳/۱۴۴)، مگر اینکه تعهد به قید مجموع صورت گرفته باشد که در این صورت بطلان یک بخش و صحت بخشی دیگر معنا ندارد، بلکه تعهد نسبت به مجموعش باطل خواهد بود.

۱. العقد ينحل الى العقود.

۳-۱. قاعده میسور

این قاعده مستنبط از حدیث «المیسور لایسقط بالمعسور» است (نراقی، ۱۴۱۷: ۲۶۱). «میسور» در لغت به معنای آسان شده و ممکن و «معسور» به معنی دشوار و سخت است. معنای این قاعده آن است که هرگاه انجام تکلیفی سخت و دشوار یا غیرمقدور شود، اگرچه تکلیف در آن قسمت غیرمقدور الزامی در بر ندارد لکن آن اندازه از تکلیف که ممکن و مقدور است، ساقط نمی‌شود (کاشانی، ۱۴۰۴: ۲۸۲). در واقع در اینجا همانند قاعده انحلال عمل می‌شود و تکلیف منحل به تعداد اجزای آن می‌شود و آن بخش که ناممکن (معسور) است از شخص ساقط و آن قسمت که ممکن (میسور) است، بر عهده شخص باقی می‌ماند. این قاعده همانند باب عبادات، در باب معاملات نیز کاربرد دارد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۵۹). به عنوان مثال اگر شخصی متعهد به تسلیم ۵۰۰ کیلوگرم گندم است، اما به‌دلیلی ناتوان از تسلیم ۴۰۰ کیلوگرم بوده و صرفاً قادر به تسلیم ۱۰۰ کیلوگرم می‌باشد، طبق قاعده میسور به‌واسطه ناممکن بودن تسلیم ۴۰۰ کیلو، تکلیف او به دادن ۱۰۰ کیلو ساقط نمی‌شود. قاعده میسور به این شکل نیز بیان شده است که کاری را که نمی‌توان تماماً انجام داد، نباید تماماً ترک نمود (ابن ابی‌جمهور، ۴/۱۴۰۵: ۵۸).^۱

۲. اقسام تجزیه تعهد

در این مبحث، تجزیه تعهد به اعتبار موضوع آن، تجزیه تعهد به اعتبار تعدد اطراف آن و تجزیه تعهد به اعتبار شرط و مشروط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. تجزیه تعهد به اعتبار موضوع آن

در اغلب موارد تجزیه تعهد در قانون مدنی و فقه امامیه بر محور تجزیه تعهد به اعتبار موضوع آن می‌باشد. در مواردی که موضوع تعهد متعدد بوده یا اگر موضوع تعهد واحد است، قابلیت تجزیه داشته باشد، قاعده انحلال مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجزیه تعهد به اعتبار موضوع آن در موردی صورت می‌گیرد که هریک از اجزای تعهد قابلیت آنکه مستقلاً مورد تعهد واقع شوند را داشته باشند. فروش «ما یملک» و «ما لا یملک» در یک عقد بیع، مثالی رایج در این خصوص در کتب فقها است: اگر مالی که بایع مالک آن است به همراه مالی که بایع مالک آن نیست به موجب عقد واحد مورد معامله قرار گیرد، بیع در قسمتی که بایع مالک آن است صحیح و در قسمت دیگر فضولی است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۸۵). در اینجا عقد واحد به منزله عقود متعدد است و از این رو اگر بعضی از مبیع مستحقّ للغیر درآید، فقط در آن قسمت که متعلق به دیگری است، عقد غیرنافذ خواهد بود (عاملی، ۱۲/۱۴۱۹: ۴۶۲).

۱. ما لا یدرک کله، لا یترک کله.

در فقه بیان شده است که مورد التزامی که به کل یا مجموعه‌ی مرکبی تعلق می‌گیرد، طبعاً به تعداد اجزاء کل تجزیه می‌شود (بجنوردی، ۳/۱۴۱۹: ۱۵۹). در برخی موارد هم موضوع تعهد یک فقره است، اما این تعهد به نحوی است که قابلیت تجزیه دارد. به عنوان مثال در موردی که موقوف‌علیه مال موقوفه را اجاره می‌دهد، تعهد او مبنی بر تسلیم عین مستأجره برای انتفاع مستأجر از منفعت محقق می‌شود، در این صورت، چنانچه موقوف‌علیه در اثنای مدت اجاره فوت کند، آیا این عقد اجاره و تعهدات ناشی از آن کلاً باطل می‌شود یا عقد و تعهد واحد به دو تعهد منحل می‌شود که یکی تا زمان فوت موقوف‌علیه باقی بوده و صحیح می‌باشد و دیگری پس از فوت موقوف‌علیه، به سبب عدم مالکیت موجر بر منافع عین مستأجره غیر نافذ است؟ در کتب فقهی بیان شده است که اگر وقف نسلماً بعد نسل باشد و طبقه اول مال موقوفه را برای ۱۰ سال اجاره دهد و بعد از ۵ سال طبقه اول از بین بروند، این اجاره برای طبقه دوم منفسخ است ولی در مورد طبقه اول تا زمانی که زنده بوده‌اند، این اجاره صحیح تلقی می‌شود (شیخ طوسی، ۳/۱۴۰۷: ۵۳۵).

در فرانسه نیز اصل بر قابل تجزیه بودن موضوع تعهد است مگر آنکه به موجب قرارداد یا ماهیت تعهدی، آن تعهد غیر قابل تجزیه باشد (Cataldo, 2016: 184). در صدر ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ بیان شده است که تعهدات صرفاً در صورتی غیر قابل تجزیه محسوب می‌شوند که ماهیت آن یا قرارداد منعقد بین طرفین، غیر قابل تجزیه بودن را ایجاب نماید و در سایر موارد موضوع تعهد قابل تجزیه است (François, 2016: 3).

۲-۲. تجزیه تعهد به اعتبار تعدد اطراف آن

در خصوص تجزیه تعهد بر اساس تعدد اطراف آن، صاحب عناوین بیان می‌دارد که تعدد متعاقبین و تعدد ایجاب و قبول موجب تعدد عقد و امکان تجزیه آن به صحیح و فاسد نمی‌شود و تنها تعدد عوض و معوض است که می‌تواند موجب انحلال عقد به صحیح فاسد شود (مراغی، ۲/۱۴۱۷: ۷۳). بدین ترتیب بنا بر دیدگاه مذکور، تعهد به اعتبار تعدد اطراف آن قابل تجزیه نیست. علت این استدلال صاحب عناوین آن است که دلیل اصلی فقها برای عمل به قاعده انحلال علاوه بر سیره عقلا، اجماع است و این اجماع تنها در خصوص انحلال عقد به اعتبار موضوع آن وجود دارد؛ اما برخی حقوق دانان صور انحلال عقد به عقود متعدد را در سه شکل بیان کرده‌اند (امامی، ۲/۱۳۴۷: ۵۱۰) که از این صور انحلال عقود، می‌توان به صور انحلال تعهد نیز دست یافت:

الف) در صورتی که اشیاء متعددی مورد عقد قرار گیرد (در صورتی که موارد متعددی موضوع تعهد باشد)، موضوع ماده ۴۳۱ قانون مدنی؛

ب) در صورتی که در یک عقد با یک نفر و مشتری متعدد باشد (در صورتی که متعهد یک نفر و متعهدلهم متعدد باشند)، موضوع ماده ۴۳۲ قانون مدنی؛
 ج) در صورتی که در یک عقد با یک نفر و مشتری یک نفر باشد (در صورتی که متعهد متعدد و متعهدله یک نفر باشد) موضوع ماده ۴۳۳ قانون مدنی.
 از سه صورت فوق‌الذکر، صورت نخست (تجزیه تعهد به اعتبار موضوع آن) در بند قبل بررسی شد و دو صورت دیگر در این بند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. متعهد واحد و متعهدلهم متعدد

در برخی موارد ممکن است یک شخص در برابر چند شخص متعهد به انجام عملی شود. ماده ۷۴۹ قانون مدنی مصداقی در این زمینه است که بیان می‌دارد: «هرگاه یک نفر در مقابل چند نفر، از شخص کفالت نماید، به تسلیم او به یکی از آنها در مقابل دیگران بری نمی‌شود.» در واقع، در چنین حالتی یک عقد کفالت و یک تعهد به احضار مکفول، به چند عقد و تعهد مستقل تجزیه می‌شود که گویی برای هر کدام عقدی جداگانه منعقد شده است. علامه در تذکره بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی در مقابل دو نفر کفالت شخص دیگری را بنماید و سپس او را به یکی از این دو نفر تسلیم کند، از التزامش در مقابل شخص دیگر رهایی نیافته است، زیرا این عقد کفالت با دو نفر، در حکم دو عقد جداگانه بوده و مانند جایی است که با هر کدام از این دو فرد، جداگانه عقد کفالت را منعقد نموده باشد» (علامه حلی، ۱۴/۱۴۱۴: ۴۰۵).

گاه شخصی در برابر چند شخص، متعهد به انجام کاری می‌شود که قابلیت تجزیه ندارد. تعهد به ترک فعل (حقوقی یا مادی) می‌تواند مصداقی برای تجزیه‌ناپذیر بودن تعهد تلقی شود. زمانی که شخصی در مقابل چند نفر تعهد می‌کند که به انجام عملی اقدام نکنند، این تعهد قابل تجزیه نیست و نمی‌توان موردی را تصور کرد که تعهد در مقابل یکی از متعهدلهم اجرا شده و در مقابل دیگری اجرا نشود (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

در حقوق فرانسه بر اساس ماده ۱۳۰۹ اصلاحی ۲۰۱۶ چنانچه تعهدی چند متعهدله داشته باشد، هریک از آنها به صورت مساوی مستحق دریافت موضوع تعهد هستند مگر آنکه قانون یا قرارداد خلاف آن را تصریح کرده باشد. همچنین بر اساس ماده ۱۳۲۰ این قانون، هنگامی که تعهدی غیرقابل تجزیه و متعهدله متعدد باشد، هر یک از آنها می‌تواند اجرای کامل تعهد را متعهد درخواست کنند (Baumann, 2018: 519).

۲-۲-۲. متعهدله واحد و متعهدین متعدد

تعدد متعهدین ممکن است به واسطه تعدد در موضوع تعهد بوده و یا ممکن است موضوع تعهد واحد بوده و اجزای آن قابلیت تجزیه داشته باشند. در صورتی که تعدد متعهدین به واسطه تعدد در موضوع عقد باشد، تجزیه تعهد امکان‌پذیر است، به عنوان مثال هر گاه سه نفر در مقابل مالک خانه‌ای مباشرتاً متعهد شوند که خانه او را نوسازی کنند و یکی از آن‌ها معمار، دیگری نقاش و سومی برق‌کار باشد، این تعهد واحد دارای موضوعات متعدد است و در صورتی که تعهد یکی از این متعهدان به‌دلیلی اجرا نشده یا منتفی شود، تعهد سایرین به قوت خود باقی می‌ماند. در واقع در اینجا تعهد به تعداد افراد متعهد تجزیه شده و به‌مثابه سه تعهد جداگانه در نظر گرفته می‌شود که مستقل از یکدیگر، آثار و احکام خاص خود را دارند.

در صورتی که متعهدین متعدد باشند و موضوع تعهد واحد بوده و اجزای آن قابلیت تجزیه داشته باشد نیز تعهد قابل تجزیه است؛ به عنوان مثال تعهد سه شخص به تملیک شش دانگ خانه‌ای که هر کدام مالک دو دانگ از آن هستند. تعهد به انتقال مالکیت در هر حال تجزیه‌پذیر است و هر متعهد می‌تواند آن را جداگانه و صرف‌نظر از وضعیت سایر متعهدین اجرا کند، حتی اگر موضوع انتقال غیرقابل تجزیه باشد. لازم به ذکر است در مواردی که متعهدین متعدد هستند، ممکن است تعهد به دلیل تضامنی بودن، غیرقابل تجزیه باشد که در بند مربوط به موانع تجزیه تعهدات مورد بررسی قرار می‌گیرد. ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ نیز تعدد متعهدان را موجب تجزیه تعهد تلقی کرده و در این صورت اصل را بر تساوی تعهدات اشخاص دانسته است و بیان داشته است که در صورت تعدد متعهدین، این اشخاص به صورت مساوی ملزم به ایفا هستند مگر آنکه خلاف آن در قرارداد یا قانون پیش‌بینی شده باشد که در این حالت مطابق قانون یا قرارداد عمل می‌شود. همچنین بر اساس ماده فوق‌الذکر و ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ چنانچه موضوع تعهد غیرقابل تجزیه باشد نیز هریک از متعهدان ملزم به اجرای تمام آن تعهد هستند و پس از اجرای تمام تعهد، حق رجوع به سایر متعهدان را دارد (Bougerol, 2016: 2).

۲-۳. تجزیه تعهد به اعتبار عقد و شرط

موردی که کمتر در کتب فقها مطرح شده و صرفاً برخی حقوق‌دانان به آن اشاره داشته‌اند، تجزیه تعهد بر اساس شروط ضمن عقد است (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۴۹). هنگامی که عقدی منعقد می‌شود و ضمن آن شرط یا شروطی وجود دارد، در چنین حالتی عقد واحد را می‌توان به عقد متعلق به مشروط و عقد متعلق به شرط یا شروط تجزیه کرد. به عنوان مثال هنگامی که خانه‌ای به عوض ۱۰۰ میلیون ریال فروخته شده و ضمن عقد شرط می‌شود که مشتری اتومبیل خود را به فروشنده تملیک کند، در

این مورد، تعهد اصلی مشتری در عقد بیع پرداخت ۱۰۰ میلیون ریال وجه نقد است، در حالی که یک تعهد تبعی به تملیک اتومبیل نیز برای او وجود دارد و در صورتی که انجام تعهد تبعی (شرط) به علتی غیرمقدور باشد، این شرط باطل است، لکن این عدم اجرای تعهد ناشی از شرط، تمام عقد را به سوی بطلان نمی‌برد و صرفاً شرط باطل بوده و عقد صحیح است و این موضوع در تمام شروط باطل غیرمبطل مشاهده می‌شود.

در این موارد، تجزیه تعهد واحد به اعتبار شرط و مشروط (عقد) مشاهده می‌شود. در مثال مذکور، تعهد مشتری مبنی بر پرداخت ۱۰۰ میلیون ریال و تملیک اتومبیل، به دو تعهد که یکی ناشی از شرط مبنی بر تملیک اتومبیل و دیگری ناشی از مشروط (عقد) مبنی بر پرداخت ۱۰۰ میلیون ریال است، تجزیه می‌گردد که اولی تعهدی باطل و دومی تعهدی صحیح است. این مسئله در مواد ۲۳۲ و ۲۴۰ قانون مدنی هم مورد پیش‌بینی قرار گرفته و مشخص می‌شود که قانون مدنی نیز چنین تجزیه‌ای را پذیرفته و تعهد ناشی از مشروط (عقد) را در چنین حالتی صحیح تلقی می‌کند.

در حقوق فرانسه نیز تا پیش از اصلاحات قانون مدنی در سال ۲۰۱۶ بر اساس ماده ۱۱۷۲ سابق این قانون، تحلیلی ارائه می‌شد که اگر قرارداد وابسته به شرط باشد، بطلان شرط قرارداد را باطل می‌کند و اگر قرارداد به شرط وابسته نباشد، بطلان شرط منجر به بطلان قرارداد نمی‌گردد (Ribeyrolles, 2005: 178). این ماده بیان می‌داشت: «هر شرط مربوط به امر غیر ممکن یا برخلاف اخلاق حسنه یا قانون، باطل است و قرارداد وابسته به آن را باطل می‌کند.» بدین ترتیب چنانچه قرارداد به شرط وابسته نبود، تجزیه تعهد به اعتبار شرط و مشروط در حقوق این کشور مورد پذیرش واقع شده و علی‌رغم بطلان شرط، تعهدات ناشی از عقد به قوت خود باقی می‌ماند. این قاعده در اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه به صورت پررنگ‌تری بیان شد و در ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی اصلاحی ۲۰۱۶ بیان شد که در مواردی که بر اساس این قانون شرطی نانوشته انگاشته شده^۱ یا غیرمعتبر تلقی شود، قرارداد کماکان معتبر باقی می‌ماند (Viaila, 2018: 20). بدین ترتیب، در حقوق فرانسه کماکان تجزیه تعهد به اعتبار شرط و مشروط پذیرفته شده و در صورت معتبر نبودن یک شرط، اصل بر آن است که تعهدات ناشی از قرارداد صحیح و لازم‌الاجراست.

در تجزیه تعهد به اعتبار شرط و مشروط، به قاعده تجزیه پذیری تعهدات استثنائاتی وارد می‌شود. استثنای نخست بدین شرح است که اگر ضمن عقد باطلی شرطی صحیح وجود داشته باشد، نمی‌توان تعهد ناشی از مشروط و تعهد ناشی از شرط را تجزیه کرد و اعلام داشت که تعهد ناشی از مشروط باطل و تعهد ناشی از شرط صحیح است، بلکه بر اساس قاعده «تبعیت شرط از عقد در

1. Clause réputée non écrite

اجرای تعهد من حیث مجموع نظر داشته‌اند یا هر جزئی از تعهد برای آن‌ها قابلیت اجرای جداگانه دارد و صرفاً وابستگی تعهدات در اثر تحت یک عقد آمدن است؟

به عنوان مثال اگر شخصی در قراردادی تعهد به تملیک اتومبیل و تملیک خانه‌اش به یک شخص خارجی نماید، این عقد و تعهدات ناشی از آن تجزیه به دو عقد می‌شود که اولی صحیح و دومی به واسطه مخالفت با قوانین آمره مربوط به ممنوعیت تملک اموال غیرمنقول توسط خارجی‌ان، باطل است. نتیجه صحت تعهد اول و بطلان تعهد دوم، لازم‌الاجرا بودن تعهد اول است و علی‌الاصول، اجرای این تعهد مستقل، مخالف اراده طرفین نبوده و مصداق «ما قصد لم يقع و ما وقع لم یقصد» نمی‌شود. اگرچه قصد از انشای عقد این بوده است که هر دو با هم فروخته و تسلیم شود، ولی این تبعاً ملازم است با قصد فروش هر یک از آن دو (بجنوردی، ۳/۱۴۱۹: ۱۶۹)، لکن قصد طرفین نسبت به مورد دوم (فروش خانه) به علت وجود مانع نظم عمومی محقق نمی‌شود، ولی این عدم تحقق قصد در مورد دوم ملازمه با آن ندارد که قصد در مورد اول نیز محقق نشود، زیرا برای تحقق تعهد اول مانعی وجود ندارد و قصد این تعهد در ضمن عقدی که برای هر دو تعهد منعقد شده، وجود دارد.

لازم به توجه است که چنانچه طرفین صراحتاً اراده خود را به اینکه قصد آن‌ها مجموع تعهدات است نه بخشی از آن، اعلام کرده باشند، محتملی برای اعلام صحت جزئی از تعهد باقی نمی‌ماند و در صورت باطل بودن یکی از تعهدات، امکان تجزیه وجود نداشته و تمام تعهد باطل می‌شود. در صورت سکوت طرفین در خصوص اراده آن‌ها به اجتماع تعهد یا به انفراد آن، عرف بیان‌گر اراده ضمنی (اراده ضمنی عام) طرفین است و با رجوع به عرف می‌توان قائل شد هنگامی که چند تعهد ضمن تعهدی واحد مورد قبول قرار می‌گیرد، اراده طرفین بر این است که هر یک از آن‌ها مستقلاً مطلوب بوده و در صورت عدم تحقق تعهد دیگر، کماکان لازم‌الاجرا باشد (بجنوردی، ۳/۱۴۱۹: ۱۴۴). یکی از نویسندگان قانون مدنی نیز چنین دیدگاهی داشته و بیان می‌دارد: «بلی، ممکن است مورد معامله من باب وحدت مطلوب، مجموع من حیث المجموع باشد، به طوری که به ابعاض آن از جهت عدم مالیت یا از جهت دیگری رضایت حاصل نشود، اما این فردی است نادر و محتاج است به اینکه غرضی به خصوصیت مجموع من حیث المجموع تعلق گرفته باشد و معاملات جاریه اغلب از این قسم نیست» (بروجردی عبده، ۱۳۲۹: ۱۰۶).

۲-۳. استقرار در قانون مدنی

قانون مدنی قاعده تجزیه‌پذیری عقود و تعهدات را به صورت صریح بیان نکرده لکن در مواد متعددی از این قانون از جمله مواد ۲۳۲، ۲۴۰، ۲۵۶، ۲۸۵، ۳۵۳، ۳۷۲، ۳۸۴، ۴۸۰ و ۴۸۳ امکان تجزیه اعمال حقوقی اعم از عقد و ایقاع و تعهدات ناشی از آن‌ها بیان شده است.

به عنوان مثال ماده ۴۸۳ قانون مدنی^۱ در بردارنده دو تجزیه تعهد است. همان گونه که در مستمرک عروه الوثقی آمده است در صورتی که عین مستأجره جزئاً تلف شود، عقد واحد به دو عقد منحل می‌شود که در قسمت باقی مانده عین مستأجره، عقد اجاره صحیحاً ادامه پیدا می‌کند و نسبت به قسمت تلف شده، عقد اجاره منفسخ می‌گردد و چنانچه عین مستأجره کلاً تلف شود تا زمان تلف آن اجاره صحیح بوده و پس از آن از منفسخ می‌شود (حکیم، ۱۳۸۶/۱۲: ۵۳) که این ماده و نظرات فقها در این خصوص، بیانگر امکان تحقق دو تجزیه و انحلال در عقد اجاره و تعهدات ناشی از آن است.

بدین ترتیب از استقرایی تام در مواد قانون مدنی روشن می‌شود که امکان تجزیه تعهد در قانون مدنی امری پذیرفته شده است؛ لکن در خصوص ماده ۲۷۷ این قانون، ممکن است این ایراد مطرح شود که این ماده مانعی برای انحلال تعهد محسوب می‌گردد. ماده ۲۷۷ قانون مدنی بیانگر آن است که متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید لکن باید توجه داشت که این ماده، مربوط به موردی است که تعهد نسبت به تمام موضوع خود «صحیح» و «قابل اجرا» باشد که در این حالت مانند تعهدی بسیط، قابل تجزیه نیست و متعهد نمی‌تواند بخشی از موضوع تعهد را نسبت به متعهدله ایفا کند، بلکه ملزم است تمام موضوع این تعهد صحیح و قابل اجرا را نسبت به وی اجرا نماید؛ در حالی که قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات ناظر به مواردی است که قسمتی از تعهد به دلیلی باطل، غیرنافذ، منفسخ یا به هر دلیلی غیرقابل اجرا باشد. بنابراین مفاد ماده ۲۷۷ قانون مدنی تخصصاً از بحث تجزیه‌پذیری تعهدات خارج است و این ماده مانع پذیرش قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات در این قانون مدنی محسوب نمی‌شود.

تفکیک تعهد به قابل تجزیه و غیرقابل تجزیه در حقوق فرانسه نیز در مواردی مطرح می‌گردد که تمامی تعهد قابل اجرا نباشد که در این حالت، در تعهدات قابل تجزیه آن قسمتی که قابل اجراست، معتبر باقی می‌ماند؛ لکن در صورتی که تمام موضوع تعهد قابل اجرا باشد، قابل تجزیه یا غیرقابل تجزیه بودن آن تأثیری ندارد و حتی اگر موضوع تعهد قابل تجزیه باشد نیز متعهد مکلف است تمام تعهد را مانند تعهدی بسیط اجرا نماید (Bénabent, 2018: 759) و در واقع متعهد حق تبعیض در اجرای جزئی از تعهد را ندارد. این موضوع در ماده ۴-۱۳۴۲ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ بیان شده است: «متعهدله می‌تواند از پذیرش اجرای جزئی از تعهد توسط متعهد امتناع کند، حتی

۱. ماده ۴۸۳ قانون مدنی: «اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده منفسخ می‌شود و در صورت تلف بعضی آن مستأجر حق دارد اجاره را نسبت به بقیه منفسخ کند یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره نماید.»

اگر موضوع تعهد قابل تجزیه باشد.» علت این حکم آن است که متعهد نمی‌تواند متعهدله را به پذیرش اجرای جزئی از تعهد ملزم نماید.

لازم به ذکر است قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات در قانون مدنی بدون استثنا نمانده و ماده ۴۱۲ این قانون^۱ به عنوان استثنایی بر این قاعده وارد شده است که صرفاً در خصوص موارد مذکور در این ماده قابل استناد است.^۲ برخی حقوق‌دانان در مورد این ماده که استثنایی بر قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات در قانون مدنی است معتقدند که ماده مذکور اجازه نمی‌دهد کسی از اعتماد طرف معامله با عرضه خلاف وصف و مشاهده، سوءاستفاده نماید و آلا از لحاظ تحلیل حقوقی در ماده ۴۱۲ نیز همچون عیب بعض، باید حکم به تجزیه عقد داد (صفایی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). لازم به توجه است که برخی فقها از جمله امام خمینی (ره) در چنین موردی نیز قائل به تجزیه عقد و تعهدات ناشی از آن هستند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸/۴: ۴۲۴).

۳-۳. وجود خیار تبعض صفقه

در تقسیم‌بندی عقود، عقدی که در آن یکی از طرفین یا هر دو، دارای هر یک از اختیارات (مانند خیار عیب، تبعض صفقه و...) باشند، زیرشاخه عقود صحیح است و تا هنگامی که خیار در آن اعمال نشده لازم‌الاجرا بوده و معتبر می‌باشد. هنگامی که قانون مدنی خیار تبعض صفقه را برای حالت تجزیه تعهد پیش‌بینی کرده است، نشان از آن است که عقد و تعهد تجزیه شده را صحیح دانسته و صرفاً برای جلوگیری از ضرری که ممکن است به متعهدله از ناحیه این تجزیه وارد شود، خیار تبعض صفقه را برای او برقرار ساخته است و چنانچه متعهدله از این خیار استفاده نکند، تعهد در قسمت صحیحش لازم‌الاجرا و معتبر باقی می‌ماند و چنانچه نظر قانون مدنی عدم تجزیه تعهدی بود که بخشی از آن باطل شده است، مستلزم بطلان تمام عقد و تعهد بود نه ایجاد خیار تبعض صفقه. صاحب عناوین در خصوص خیار تبعض صفقه بیان می‌دارد که عقد واحد در صحت و بطلان قابل جمع نیست و یا باید قائل باشیم که در صورت بطلان جزئی از عقد، تمام عقد باطل است یا اینکه عقد واحد را به دو عقد تجزیه کنیم که یکی صحیح و دیگری باطل است (مراغی، ۱۳۱۷/۲: ۷۸). وجود خیار تبعض صفقه نشانه پذیرش نظر دوم توسط شارع است.

در خیار تبعض صفقه یکی از طرفین در وصف قانونی بودن معامله نسبت به بعضی موضوع تعهد طرف دیگر، به اشتباه افتاده و به تصور اینکه معامله کاملاً صحیح و معتبر بوده، راضی به انعقاد معامله

۱. ماده ۴۱۲ قانون مدنی: «هرگاه مشتری بعضی از مبیع را دیده و بعضی دیگر را به وصف یا از روی نمونه خریده باشد و آن بعضی، مطابق وصف یا نمونه نباشد، می‌تواند تمام مبیع را رد کند یا تمام آن را قبول نماید.»
 ۲. برای نظر مخالف (نک: سلجوقی، ۱۳۶۸).

شده است (امیری قائم مقامی، ۲/۱۳۷۸: ۳۱۲). مشهور حقوق‌دانان معتقدند خیار تبعض صفت و ویژه بطلان عقد نسبت به جزئی از مبیع نبوده و در هر مورد که عقد نسبت به بعضی منحل (اعم از بطلان، انفساخ یا فسخ) شود، قابل اجراست (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

۴. موانع تجزیه تعهد

تجزیه‌پذیری تعهدات در برخی موارد با مانع مواجه شده و این موانع موجب می‌شوند که تعهد تجزیه نشده و به صرف تعلق حکمی (اعم از بطلان، عدم نفوذ و...) بر قسمتی از آن، تمام تعهد مشمول آن حکم شود. در این مبحث، موانع تجزیه تعهدات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. تجزیه‌ناپذیر بودن موضوع تعهد

تجزیه تعهد هنگامی صورت می‌گیرد که موضوع تعهد قابلیت تجزیه داشته باشد. ماهیت پاره‌ای از تعهدات به‌گونه‌ای است که جز با اجرای تمام تعهد، ایفای موردنظر حاصل می‌گردد. تعهد غیرقابل تجزیه، تعهدی است که موضوع آن ماهیتاً یا به‌موجب قرارداد، قابل تجزیه بین متعهدین یا متعهدلهم نباشد. در این باره یکی از حقوق‌دانان مصری تعهد غیرقابل تجزیه را تعهدی می‌داند که ایفای آن فقط به صورت کامل و جامع ممکن است (ذهنی بک، ۱۹۶۰: ۶۱۸).

برای حالت عدم تجزیه تعهد به دلیل تجزیه‌ناپذیر بودن موضوع تعهد، نیازی نیست که متعهد یا متعهدله بیش از یک نفر باشند، لکن حالت عدم تجزیه موضوع تعهد در حالتی که متعهد یا متعهدله متعدد هستند نیز قابل تصور است (جعفری لنگرودی، ۱/۱۳۶۹: ۵۰). در کتب فقهی مثالی که در خصوص عدم امکان تجزیه موضوع تعهد مشاهده می‌شود، فرعی در عقد کفالت است که اگر دو نفر در مقابل شخص دیگری از فردی کفالت نمایند، به محض اینکه هر یک از این دو فرد شخص مکفول را تسلیم کند، تعهد اجرا شده تلقی می‌گردد (عاملی، ۱۶/۱۴۱۹: ۵۶۳). ایفای این تعهد دو حالت دارد: یا متعهدین مکفول را تسلیم کرده و تعهد انجام یافته تلقی می‌شود یا این افراد مکفول را تسلیم نمی‌کنند که در این صورت، تعهد ناشی از عقد کفالت نقض شده است و با توجه به واحد بودن مکفول، حالتی که یکی از متعهدین به تعهد خود در خصوص تحویل مکفول عمل کرده و دیگری عمل نکند، متصور نمی‌باشد.

در مورد تجزیه‌ناپذیری موضوع تعهد در موردی که چند شخص متعهد هستند، باید قائل شد که در عالم واقع، سهم خاصی از تعهد بر هر متعهد تحمیل شده است؛ لکن در مقام اجرا، عمل به تعهد جز با اجرای تمام آن ممکن نیست و هر متعهد باید به تمام آن عمل کند. در واقع تعهد متعدد، ولی

۱. الالتزام الذی لا یقبل انقساماً هو الالتزام الذی لا یمنک الوفاء به الا کاملاً و بتمامه.

اجرا واحد است. این حالت شبیه به تضامن لکن متفاوت از آن است. مصداقی که برای این نوع تعهدات وجود دارد، تسلیم عین معین است. به عنوان مثال اگر سه نفر مالک اتومبیلی، آن را به دیگری بفروشند، حالتی متصور نیست که یکی از آن‌ها وفای به عهد کرده و به اندازه وفای به عهدش بری شود و تعهد سایرین باقی بماند؛ بلکه اجرای تعهد به یکی از این دو صورت است: یا اتومبیل توسط هر یک از سه نفر تسلیم شده و تعهد هر سه نفر ایفا می‌شود یا اینکه در نتیجه عدم تسلیم، نقض عهد توسط هر سه نفر صورت می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۸۱). در فقه امامیه مثال رایج در این خصوص تسلیم حیوان زنده است.

در حقوق فرانسه نیز ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی اصلاحی سال ۲۰۱۶ ضمن بیان اصل قابل تجزیه بودن تعهدات، ابراز داشته است که یکی از موارد غیرقابل تجزیه بودن تعهد، موردی است که ماهیت موضوع تعهد تجزیه‌ناپذیر باشد که در این حالت، اجرای این تعهد جز با اجرای تمام آن ممکن نبوده و هر یک از متعهدین در مقابل متعهدله ملزم به اجرای کامل تعهد هستند و متعهدله می‌تواند اجرای کامل تعهد را از هر یک از متعهدین مطالبه نماید (Marjault, 2016: 159).

۲-۴. تراضی طرفین

تراضی طرفین به تجزیه‌ناپذیری تعهد، در موردی مطرح می‌شود که تعهد، ناشی از عقد است و عنصر اصلی و اساسی سازنده عقد یعنی اراده و تراضی طرفین، تعهد انشاشده را تعهدی بسیط و غیرقابل تجزیه اراده می‌کند. پیش‌تر بیان شد که مبنای اصلی قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات در نظام حقوقی ایران، تعبیر اراده طرفین است (رحیمی، ۱۳۹۱: ۷۹). طرفین عقد می‌توانند تعهدی را که قابل تجزیه نیست در رابطه قراردادی خود تجزیه‌پذیر اعلام کرده و یا بالعکس تعهدی که تجزیه‌پذیر است را غیرقابل تجزیه اعلام کنند. همان گونه که در اغلب موارد طرفین قرارداد به هر یک از اجزای تعهد منفرد توجه دارند، همان گونه هم ممکن است تعهدات متعددی که در قالب یک تعهد جمع شده است را به عنوان یک کل و یک مجموعه تجزیه‌ناپذیر در رابطه قراردادی خود اراده کنند و وجود خلل در حتی یک بخش از تعهد را به منزله وجود خلل در تمام تعهد تلقی نمایند.

در این وضعیت به‌گونه‌ای تعهدات عقد به یکدیگر گره می‌خورد که عدم اجرای هر جزئی از تعهد به منزله عدم انجام تمام تعهد است. در این مورد تعهد متعدد، ولی ایفای آن یکی است. به عنوان مثال اگر یک نقاش، یک معمار و یک برق‌کار تعهد کنند برای دیگری خانه‌ای را بازسازی کرده و به او تحویل دهند و در قرارداد تصریح شود که تعهدات متعهدین، «به‌نحو اجتماع» یا «تجزیه‌ناپذیر» است، در این مورد سه تعهد ضمن یک تعهد وجود دارد که از هم قابل تفکیک نبوده و در صورت عدم اجرای حتی یک بخش از آن، تمام تعهد نقض شده است.

در حقوق فرانسه نیز اراده طرفین می‌تواند موضوع تعهد را غیرقابل تجزیه اعلام نماید حتی اگر این تعهد ماهیتاً قابل تجزیه باشد. ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی این کشور اصلاحی ۲۰۱۶ بیان می‌دارد که طرفین می‌توانند تعهد را به صورت یکپارچه و غیرقابل تجزیه در روابط خود توافق کنند و همچنین ماده ۱۳۲۰ این قانون یکی از مواردی که تعهد تجزیه‌ناپذیر تلقی می‌شود را موردی بیان می‌دارد که طرفین آن را در روابط خود غیرقابل تجزیه اعلام کرده‌اند (Cataldo, 2016: 197).

۳-۴. تضامن

تضامن حالتی است که در دین واحد، حق مطالبه متعدد (از دو یا چند متعهد) با وجود وحدت دین برای بستانکار پدید می‌آید (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱/۲: ۱۶۲). در مسئولیت تضامنی دو یا چند متعهد وجود دارد که متعهده یا متعهدلهم می‌توانند به هر یک از آنها برای تمام یا قسمتی از دین رجوع کنند. تضامن دارای آثاری است که به موجب آن چند مدیون تضامنی، به منزله مدیونی واحد در مقابل داین‌شان تلقی می‌شوند (ذهنی بک، ۱۹۶۰: ۶۱۸).

تضامن موجب می‌شود تا تعهد به اعتبار تعدد اطراف آن تجزیه نشود؛ زیرا تعهدی که برقرار شده است، هر یک از متعهدین را ملزم می‌سازد تا در صورت مراجعه متعهده به وی، تماماً از عهده اجرای تعهد بر آید؛ بدین ترتیب، تعهدی که قید تضامن داشته باشد، قابل تجزیه نیست. لازم به توجه است که قید تضامن، قیدی به نفع متعهده است و وی هرگاه و به هر نحو که بخواهد می‌تواند این تعهد را تجزیه کرده و به هر یک از متعهدان به هر اندازه که بخواهد رجوع کند. در حقوق ایران اصل بر مسئولیت اشتراکی است نه تضامنی و این اشتراکی بودن مسئولیت است که تجزیه‌پذیری تعهد را مطابق قاعده قرار داده و تضامنی بودن که در واقع مانع تجزیه تعهد است، باید اثبات گردد.

در حقوق فرانسه تضامن^۱ به دو شکل است: تضامن مثبت (تضامن بین طلبکاران) و تضامن منفی (تضامن بین بدهکاران). در تضامن مثبت، چند متعهده و یک متعهد وجود دارد که هر یک از آنها می‌توانند تمام یا جزئی از موضوع تعهد را از متعهد مطالبه کند (Baumann, 2018: 518) و در تضامن منفی که مشابه مفهوم تضامن در حقوق ایران است، چند متعهد و یک متعهده وجود دارد که متعهده می‌تواند اجرای تمام یا بخشی از موضوع تعهد را از هر یک از متعهدین مطالبه کند. (Baumann, 2018: 509).

تضامن مثبت (تضامن بین طلبکاران) در ماده ۱۱۹۷ سابق قانون مدنی فرانسه مقرر شده و در اصلاحات سال ۲۰۱۶ نیز در ماده ۱۳۱۱ بیان شده است: «در مواردی که تعهد بین طلبکاران به صورت تضامنی است، هر یک از آنها حق مطالبه و دریافت کل دین را دارد و پرداخت دین توسط

1. Solidarité

متعهد به هریک از طلبکاران، موجب بری شدن وی می‌شود.» تضامن مثبت در عمل کمتر از تضامن منفی وجود دارد و بیشتر در عملیات و قراردادهای بانکی مشاهده می‌شود، به عنوان مثال در حساب‌های مشترک بانکی در مواردی که هریک از صاحبین حساب حق برداشت تمام وجوه را دارند، متعهد (بانک) یک نفر بوده و متعهدله (صاحبین حساب) متعدد هستند و هریک از آن‌ها می‌تواند تمام طلب را از متعهد دریافت نماید (Cataldo, 2016: 210).

تضامن منفی (تضامن بین بدهکاران) که مشابه آن در حقوق ایران نیز وجود دارد، در ماده ۱۲۰۰ سابق قانون مدنی فرانسه بیان شده و در اصلاحات سال ۲۰۱۶ این قانون در ماده ۱۳۱۳ مقرر شده است: «تعهد تضامنی بین بدهکاران، هریک از آن‌ها را متعهد به ایفای تمام تعهد می‌کند. ایفای تعهد توسط یکی از متعهدان تضامنی، سایر متعهدان را بری می‌کند. طلبکار می‌تواند ایفای تمام یا بخشی از موضوع تعهد را از هریک از متعهدان مطالبه کند.» تضامن منفی در عمل دامنه اجرای گسترده‌تری نسبت به تضامن مثبت دارد و در واقع تضمین و امتیازی برای متعهدله تلقی می‌شود که بتواند ایفای تعهد را از هریک از متعهدین مطالبه کند و در صورت عدم ایفای تعهد توسط هریک از متعهدین، بتواند به سایرین مراجعه نماید (Marjault, 2016: 86).

در حقوق فرانسه نیز همانند حقوق ایران، تضامنی بودن مسئولیت مانع تجزیه تعهد می‌شود و در هر دو حالت تضامن مثبت و منفی، تضامن موجب می‌شود که تعهد به اعتبار تعدد اطراف آن تجزیه نشود. ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی فرانسه اصلاحی سال ۲۰۱۶ نیز به صراحت، تضامن را به عنوان یکی از مواردی که مانع تجزیه تعهد می‌شود، بیان می‌دارد. همچنین در حقوق این کشور همانند ایران مسئولیت تضامنی خلاف است و این نوع مسئولیت باید در قانون تصریح شده یا در قرارداد مورد توافق طرفین قرار گیرد (Douville, 2016: 291). ماده ۱۳۱۰ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ در این خصوص بیان می‌دارد: «اصل بر تضامن نیست. تضامن باید ناشی از قرارداد یا قانون باشد.»

نتیجه

از تعبیر اراده طرفین تعهد، استقرا در مواد قانون مدنی و قواعدی همانند «انحلال» و «میسور» می‌توان استنتاج کرد که قابلیت تجزیه تعهد واحد به چند تعهد، به عنوان یک قاعده در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده و در حقوق فرانسه نیز بر اساس مقررات نوین قانون مدنی این کشور (اصلاحات سال ۲۰۱۶) همانند مقررات سابق این قانون، اصل بر قابل تجزیه بودن تعهدات است. برخی استثنائات و موانع موجود در حقوق ایران و فرانسه نیز ناشی از طبیعت موضوع تعهد و یا برای حفظ تعادل قراردادی طرفین و جلوگیری از ورود ضرر به طرف مقابل هستند.

تجزیه‌پذیری تعهد به اعتبار موضوع تعهد، تعدد اطراف تعهد و منشأ تعهد (عقد و شرط) صورت می‌پذیرد و تجزیه‌پذیر بودن تعهدات منحصر به فرض بطلان جزئی از تعهد نیست، بلکه قاعده‌ای عام است که در تمام موارد انحلال جزئی تعهد اعمال می‌شود و به‌موجب آن تعهد تجزیه می‌گردد؛ خواه علت انحلال بطلان باشد یا فسخ یا انفساخ. قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات، در موردی که تعهد واحد بوده و متعهد و متعهدله هم واحد هستند و امکان اجرای کامل تعهد نیز فراهم می‌باشد، مجری نبوده و ماده ۲۷۷ قانون مدنی اجرا می‌شود، زیرا در این مورد اصل اولی و برتر اصل «اجرای کامل تعهد» است. در حقوق فرانسه نیز وضعیت به همین صورت است و بر اساس ماده ۴-۱۳۴۲ قانون مدنی این کشور، در موردی که اجرای تعهد امکان‌پذیر است، متعهد نمی‌تواند متعهدله را به پذیرش اجرای جزئی از تعهد ملزم نماید. بحث از قابلیت تجزیه‌پذیری تعهد وقتی مطرح می‌شود که داین یا مدیون متعدد بوده، یا یکی از آن‌ها فوت کند و ورثه جانشین او شود، یا اجرای قسمتی از تعهد غیرممکن گردد که در چنین حالتی به شرط وجود سایر شرایط، می‌توان قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات را مجری دانست.

علی‌رغم آنکه مواد قانون مدنی مکرراً به نتایج تجزیه‌پذیری تعهد اشاره داشته و در فقه بر قاعده انحلال اجماع وجود دارد، قصد و اراده طرفین تعهد مبنای تجزیه‌پذیری تعهدات است. طرفین تعهد می‌توانند تعهدی را که ماهیتاً قابل تجزیه است را در روابط خود غیرقابل تجزیه اعلام کنند. لذا برای تعیین قابلیت تجزیه‌پذیری تعهد اراده صریح یا ضمنی طرفین معیار نخستین است که آیا طرفین به تعهد مرکب من حیث‌المجموع نظر داشته‌اند یا هر جزء از تعهد، برای آنان دارای مطلوبیت است. در صورت عدم وجود اراده صریح و ضمنی طرفین، اصل بر مطلوبیت هر جزء و قابل تجزیه بودن موضوع تعهد است. علاوه بر تجزیه‌ناپذیر بودن موضوع تعهد و اراده طرفین، تضامنی بودن تعهد متعهدان نیز مانع اجرای قاعده تجزیه‌پذیری تعهدات است. در حقوق فرانسه نیز تضامن، توافق طرفین بر غیرقابل تجزیه بودن موضوع تعهد و همچنین ماهیت تجزیه‌ناپذیر تعهد، از موانع اجرای تجزیه‌پذیری تعهدات می‌باشد.

منابع

فارسی

- امامی، سید حسن (۱۳۴۷)، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، چاپ دوم، جلد ۲، تهران: نشر میزان.
- بروجرودی عبده، محمد (۱۳۲۹)، حقوق مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، الفارق، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: نشر گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۹)، حقوق تعهدات، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۹)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ سوم، تهران: نشر گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۹)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۱)، «مبانی تجزیه قرارداد در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱.
- رزمی، محسن (۱۳۹۰)، «قاعده انحلال عقد به عقود متعدد در فقه و حقوق موضوعه»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۰.
- سلجوقی، محمود (۱۳۶۸)، «تقسیم ناپذیری در حقوق و تعهدات»، مجله کانون وکلا، پاییز ۶۸.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۷)، حقوق مدنی: شروط ضمن عقد، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- شبیری، زهرا (۱۳۸۵)، «مقایسه شرط نامشروع و شرط خلاف مقتضای عقد»، مجله پژوهش‌های دینی، شماره ۴، بهار ۱۳۸۵.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۹)، «تجزیه‌پذیری قرارداد در حقوق ایران، انگلیس و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۹.
- صادقی مقدم، محمدحسن و رضا شکوهی‌زاده (۱۳۹۱)، «نظریه تبعیت در اعمال حقوقی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷، بهار ۱۳۹۱.
- عدل، مصطفی (منصورالسلطنه)، (۱۳۴۲)، حقوق مدنی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غریبه، علی (۱۳۸۹)، «حوزه تاثیر اشتباه در قرارداد»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۱۰۱، بهار ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، نظریه عمومی تعهدات، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، درس‌هایی از عقود معین، چاپ چهاردهم، جلد ۱، تهران: گنج دانش.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۹)، قواعد فقه، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.

عربی

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، جلد ۴، چاپ اول، قم: مؤسسه سید الشهدا.
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ق)، القواعد الفقهیه، جلد ۳، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
- حکیم، سیدمحسن طباطبایی (۱۴۱۶ ق)، مستمسک العروه الوثقی، جلد ۱۲، چاپ اول، قم: مؤسسه دارالتفسیر.

- ذهنی بک، عبدالسلام (۱۹۶۰)، *الالتزامات (النظریه العامه)*، چاپ سوم، قاهره: مطبعه العالمیه.
- سبزواری، عباسعلی (۱۴۳۵ق)، *قواعد الفقهیه فی فقه الامامیه*، ج ۱، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب عربی.
- عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹ق)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، جلد ۱۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *تذکره الفقها*، جلد ۱۴، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- کاشانی، ملا حبیب‌الله (۱۴۰۴ق)، *قواعد فقهی*، چاپ اول، قم: انتشارات علمیه.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، *العناوین الفقهیه*، جلد ۲، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، *البیع*، جلد ۴؛ چاپ دوم، قم: انتشارات اسماعیلی.
- نراقی، مولی‌احمد (۱۴۱۷ق)، *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

غیرفارسی

- Bénabent, Alain, (2018), *Droit des obligations*, 17th edition, Paris: LGDJ.
- Baumann, Alexandre, (2018), *Manuel de droit des obligations*, Lyon: Lexis legal.
- Bougerol, laetitia, (2016), *La réforme de la solidarité passive: illusions perdues et incertitudes*, Paris: Revues juridiques.
- Carbonneir, Jean, (1972), *Droit civil: les obligation*, Paris: Presses universitaires de France.
- Douville, Thibault, (2016), *La réforme du droit des contrats: Commentaire article par article de l'ordonnance*, Rennes: Gualino.
- Cataldo, Andrea, (2016), *Une nouvelle lecture des obligation solidaires in solidum et indivisible*, nantes: Anthemis.
- François, Clément, (2016), *L'obligation à prestation indivisible*, Paris: iej.
- Marjault, Yvan, (2016), *Les obligations disjonctives: étude des obligations alternatives et facultatives*, Le mans: Université du Maine.
- Ribeyrolles, Audrey. A, (2005). *Essai sur la notion d'économie du contrat*, Clermont: Université d'Auvergne Clermont.
- Vialla, François, (2018), *Droit des obligations: les nullités*, Montpellier: Université de Montpellier.